



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

روزگار

۱۹۹

حقیقت

شعر خی بر زیارتنامہ حضرت فاطمہ معصومہ

قدرت فاطمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشمه فیض: شرحی بر زیارتنامه حضرت معصومه سلام الله علیها

نویسنده:

قدرت قاسمی

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	چشمه فیض: شرحی بر زیارتنامه حضرت معصومه سلام الله علیها
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	فهرست مطالب
۱۲	بخش اول: شرح زیارتنامه
۱۲	اشاره
۱۸	فصل اول / فضایل آن حضرت در کلام معصومان (ع)
۲۱	بخش دوم: فضایل حضرت معصومه (سلام الله علیها) در کلام بزرگان
۲۱	اشاره
۲۳	فصل اول / جایگاه حضرت معصومه (س) در زیارتنامه
۲۵	فصل دوم / جایگاه حضرت معصومه (س) در زیارتنامه
۲۷	فصل سوم / نگاهی کوتاه به زیارتنامه
۲۹	فصل چهارم / منابع زیارت نامه
۳۱	فصل پنجم / آداب زیارت
۳۲	فصل ششم / تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (س)
۳۵	فصل هفتم / زیارتنامه
۶۷	چکیده / رویکردی دوباره
۶۹	کتابنامه
۷۲	درباره مرکز

چشمه فیض: شرحی بر زیارتنامه حضرت معصومه سلام الله علیها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چشمه فیض: شرحی بر زیارتنامه حضرت معصومه سلام الله علیها/قدرت قاسمی

مشخصات نشر: قم: زایر، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری: ۶۵ص.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۰۶۵۲۲

ص: ۱

اشاره

عمری ست نشسته ایم در ایوانت شاید که شویم لحظه ای مهمانت ای چشمه ی فیض؛ جلوه ی حُسنِ خدا! هرگز نکشیم دست
از دامانت

م. طلوع

ص: ۳

فهرست مطالب

فهرست مطالب

عنوان صفحه

بخش اول : شرح زیارتنامه

فصل اول / فضایل آن حضرت در کلام معصومان (ع) ۱۳۰۰۰

بخش دوم : فضایل حضرت معصومه (س) در کلام بزرگان

فصل اول / جایگاه حضرت معصومه (س) در زیارتنامه ۱۸۰۰۰

فصل دوم / جایگاه حضرت معصومه (س) در زیارتنامه ۲۰۰۰۰

فصل سوم / نگاهی کوتاه به زیارتنامه ۲۲۰۰۰

فصل چهارم / منابع زیارت نامه ۲۴۰۰۰

فصل پنجم / آداب زیارت ۲۶۰۰۰

فصل ششم / تسییحات حضرت فاطمه زهرا (س) ۲۷۰۰۰

فصل هفتم / زیارتنامه ۳۰۰۰۰

چکیده / رویکردی دوباره ۶۲۰۰۰

کتابنامه ۶۴۰۰۰

ص: ۵

بخش اول

شرح زیارتنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ»

خاک پای برادری که با آهی جانکاه بر دوری خواهر ناله زد، و با خرسندی از خشنودی حق، اندوه جدایی او را به جان خرید. همو که رنج عاشقانه ی خواهر را با رونمای سپیدترین واژگان، سپاس گفت.

تقدیم به: «خورشید هشتم»؛ رضای آل محمد علیه السلام .

فلسفه ی زیارت

زیارت قبر انسان های الهی، پیام هایی گوناگون به همراه دارد؛ پیام زائر، پیام زیارت شونده، و پیامی به دیگران.

ص: ۷

۱. معرفت زائر، و این که انسانی قدرشناس است و همیشه کسانی را که وجودشان مایه ی فرود آمدن برکات خداوندی است فراموش نمی کند. و پیوسته از آنان به نیکی یاد می کند.

۲. این که انسان های الهی همواره به عنوان وسیله در دسترس اند و هر که بخواهد، به واسطه ی آنان می تواند با خداوند ارتباط برقرار کرده، پیوند بخورد.

۳. زائر به همگان می فهماند که زیارت ، انگیزه و ابزاری است برای مناجات، یا برآورده ساختن نیازها و یا مرهمی بر دردهای آشکار و پنهان.

پیام زیارت شونده

انسان های الهی پیوسته زنده اند و در دل اهل ایمان، که به ترین جایگاه هاست جای دارند؛ زیرا: «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ» (۱) علاوه این که: جایگاه الهی آنان روز به روز والاتر و بالاتر می گردد. و این با اهدای برترین هدیه ها (قرائت قرآن، صلوات، دعا، و دیگر اعمال نیک با نیت نیابت از طرف آن ها) به پیشگاهشان پدید می آید. بنابراین ، با ترقی جایگاه الهی آنان، می توانند مایه ی برکات بیش از پیش گردند.

ص: ۸

هان! ای غفلت زدگان؛ و ای محرومان! به حرمان خویش پایان دهید. بر خوانِ خداوندی بنشینید و از برکاتی که خدا بر سفره ی بندگان نابخش نهاده، بهره گیرید. و بدانید که اولیای خداوند دارای نور الاهی اند و بی توجهی به آنان به هر دلیلی (از روی غفلت، نادانی، یا دشمنی) نمی تواند گردی بر رخسارشان بنشاند.

زیارتنامه و پیام آن

شناساندن اولیای خداوند امکان پذیر نیست، مگر توسط خود خداوند و نیز معصومانی که خدا به آنان آگاهانیده است.

در عین حال که این کار ضرورترین هاست، با موانع گوناگون روبه رو است، که برخی از آن ها عبارت اند از:

۱. عده ای دچار ناباوری شده و هرگز فضایل اولیاءالله را نخواهند پذیرفت؛

۲. برخی دچار غلو گشته، آن ها را بیش از اندازه ستایش و تکریم خواهند کرد؛

۳. و گروهی بر نخواهند تافت و با رشک بردن، در صدد وارد ساختن ضربه هایی، از راه های مختلف برخواهند آمد.

اما افرادی نیز شایستگی شناخت اولیای خدا را دارند. بنابراین، عوامل مذکور نباید مانع بیان فضایل اولیاءالله گردد. و راه خردمندانه آن است که حق این شایستگان به گونه ای نیکو ادا گردد.

یکی از لطیف ترین راه های شناساندن، معرفی آن ها در لفافه و به صورت مبهم، همراه با رمز و اشاره است. و یکی از برترین ابزار این کار، بهره گیری از زیارتنامه است. چه بسا لطف خداوند شامل حال زائری گردد و گوشه ای از پرده ی اسرار کنار رفته، معرفتی حاصل گردد.

به نظر می آید زیارتنامه ی حضرت معصومه علیها السلام از این قبیل است؛ زیرا: اولاً: شناخت آن بانوی بزرگوار لازم است؛ چرا که امام رضا علیه السلام درباره ی زیارت ایشان می فرماید: «مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا، فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ زیارت آن بانو علیها السلام آن گاه ثمر خواهد داد که شایستگی هایش شناخته شود».^(۱)

ثانیا: اگر اما رضا علیه السلام در ضمن بیانی دیگر، مانند سخنانی، ابعاد شخصیت خواهر گرامی شان علیها السلام را آشکار می فرمودند؛ احتمال پیدایی یکی از موانع گفته شده، خارج از انتظار نبود. پس چاره آن است که برای شناساندن ایشان به تشنگان معرفت، از ابزار زیارت بهره گیرد؛ زیرا ظاهر زیارت، جز سلام دادن و معرفی نَسَب شریف ایشان و توسلی ساده و در عین حال رمز گونه نیست. اما جویندگان حقیقت، می توانند با موشکافی و تأمل، به اسراری شگفت واقف گردند.

زیارتنامه ی حضرت معصومه علیها السلام

پذیرش زیارت حضرت معصومه علیها السلام مشروط به داشتن شناخت است، و یکی از راه های معرفت ایشان، اندیشیدن در زیارتنامه ی این

ص: ۱۰

بانوی مکرم است؛ زیرا از امام معصوم علیه السلام صادر گردیده.

جا دارد درباره ی این زیارتنامه قلم بزنیم.

اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَ تَقَبَّلْهُ

زندگی نامه ی حضرت معصومه علیها السلام

نام شریفش «فاطمه» و مشهورترین لقب ایشان «معصومه» است. پدر بزرگوارشان، امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و مادر گرامی شان حضرت نجمه علیها السلام، مادر امام هشتم نیز هستند. بنابراین، حضرت معصومه علیها السلام و امام رضا علیه السلام از یک پدر و مادرند.

آن حضرت روز اول ذی قعدة ی ۱۷۳ ق، در مدینه ی منوره تولد یافت،^(۱) و به علت زندانی شدن پدر بزرگوارش تحت مراقبت برادر خود، امام رضا قرار گرفت.

در سال ۲۰۰ ق، امام رضا علیه السلام توسط مأمون، راهی خراسان گردید و بین برادر و خواهر جدایی افتاد.

سالی بعد حضرت معصومه علیها السلام به شوق دیدار برادر، و ادای رسالت خویش به سمت خراسان حرکت کرد. هنگامی که به ساوه رسیدند، مورد هجوم دشمنان قرار گرفته، عده ای از همراهانشان شهید گردیدند، و حضرت علیها السلام را نیز بنا بر نقلی مسموم کردند؛ و چون دیگر امکان ادامه ی حرکت به طرف خراسان ممکن نبود، روانه ی قم شدند. آن بزرگوار، ۱۷

ص: ۱۱

روز در این شهر زیست و سرانجام در دهم ربيع الثانی سال ۲۰۱ با اندوه فراوان از دوری برادر، و بیماری، دیده از جهان فرو بست. (۱)

همین که قبر آن بانوی ارجمند را مهیا کردند، دو سوار نقابدار از جانب قبله به سرعت نزدیک جنازه آمدند؛ پیاده شدند و پس از خواندن نماز، یکی از آن دو وارد قبر شد و همراه با دیگری جسد پاک او را در دل خاک نهادند. (۲)

ص: ۱۲

۱-۱. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰ و تاریخ قم / ۲۱۳.

۲-۲. پایگاه حسین انصاریان، منبع <http://www.masoumeh.com> با تخلص.

فصل اول

فضایل آن حضرت در کلام معصومان علیهم السلام

۱. دل سپردگی

حضرت معصومه دل های پاک امامان معصوم علیه السلام را شیفته ی خویش ساخته ؛ به گونه ای که می توان جایگاه ایشان را نزد معصومین علیهم السلام آشکارا احساس کرد. این فضیلت از کلام نورانی امام رضا علیه السلام به دست می آید، که به سعد اشعری قمی فرمود :

«یا سعد! عندکم لنا قبر...؛ ای سعد! نزد شما قبری است که از آن ماست.»^(۱)

همانا ارزش قبر، به ارج شخصی باز می گردد که در آن آرمیده است. و امام رضا علیه السلام در این روایت، جایگاه ویژه ی آن بانوی بزرگوار را در دل امامان علیه السلام گوشزد و دل سپردگی خویش را به خواهر آشکار می کند.

۲. ضرورت شناخت

بی تردید معرفت خداوند و معصومان علیهم السلام از مهم ترین واجبات است

ص: ۱۳

۱-۱. المستدرک، ج ۱۰، ص ۳۶۸ و البحار، ج ۴۸، ص ۳۱۶ و ج ۹۹، ص ۲۶۵.

و حال اگر شناخت بزرگواری دیگر نیز بنا بر گهر گفتارهای پیشوایان دین علیه السلام ضرورت یافت، باید به شأن والای او پی برد. از کلام نورانی معصوم علیه السلام برمی آید که حضرت معصومه علیها السلام چنین جایگاهی دارد؛ زیرا امام رضا علیه السلام می فرماید:

«مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا، فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ هر کس شایستگی او را بشناسد و زیارتش کند، لایق بهشت است (۱)».

پُر واضح است که تلاش بندگان مؤمن الاهی برای رسیدن به بهشت است و چه اندکند کسانی که تلاششان را، فقط برای خداوند، ناب کرده اند. این کوشش با شرایطی خاص پذیرفته و ثمربخش خواهد شد؛ که در برخی امور، از جمله زیارت حضرت معصومه علیها السلام شناخت، شرط پذیرش است. آن جا که امام رضا علیه السلام می فرماید: زیارت فاطمه ی معصومه علیها السلام بهشت را در پی دارد؛ به شرط آن که زائر، حضرتش را بشناسد.

۳. ارزش آفرینی

مردان خدا ویژگی هایی شگفت انگیز دارند، که یکی از آن ها ارزش آفرینی است؛ به گونه ای که هر چیزی که مزین به نام آنان می گردد، ارج می یابد، حُرمت پیدا می کند، و حرم می گردد؛ و اگر همین جریان توسط معصوم علیها السلام مُهر تأیید بخورد، دیگر جای هیچ سخنی نمی ماند.

ص: ۱۴

قم، یکی از سرزمین‌هایی است، که به برکت وجود حضرت معصومه علیهاالسلام «حرم» شد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ لَنَا حَرَمًا، وَهُوَ بَلَدَةُ قُمْ؛ برای ما حریمی در، شهر قم است.»

راز حرم بودن قم را آشکار می‌سازد:

«وَسَيَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ، مِنْ أَوْلَادِي، تُسَمِّي فَاطِمَةَ؛ به زودی بانویی از فرزندان من در آن جا آرام می‌گیرد، که نامش فاطمه است.»^(۱)

حضرت معصومه علیهاالسلام فضایی فراوان دارد، که به برخی اشاره کردیم و بعضی دیگر، از زیارتنامه استفاده می‌شود. در این باره نوشته‌هایی گوناگون وجود دارد، که ما به همین اندازه بسنده می‌کنیم.

ص: ۱۵

فضایل حضرت معصومه علیها السلام در کلام بزرگان

بزرگان و عالمان دین آن گاه که فضایل و برکات وجود حضرت علیها السلام را دیدند، سکوت را روا ندانسته، و هر یک فراخور شناخت خویش یا ظرفیت شنوندگان، نکاتی فرمودند، که شایان ذکر است. (۱)

۱. دیدگاه رهبر معظم انقلاب _ حفظه الله تعالی _

یکی از امتیازات بزرگی که شهر قم دارد، این است که برگرد مَضِج شریف یکی از برگزیدگان اهل بیت علیهم السلام حضرت معصومه علیها السلام بنا شده است. (۲)

۲. دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی _ مدّ ظلّه _

به عقیده ی من، به ترین چیزی که می شود در باره ی آن حضرت گفت، آن جاذبه ای است که برای تشکیل حوزه ی علمیه در جوار قبر مبارک آن حضرت بوده و هست. (۳)

۳. دیدگاه آیت الله صافی _ مدّ ظلّه _

۱-۱. نک: همگام با زائران عارف، جباری، محمدرضا.

۲-۲. همان .

۳-۳. همان / ۹۳.

قمی ها به واسطه ی حضرت معصومه علیهاالسلام ، به بهشت می روند.^(۱)

۴. دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی _ رحمه الله تعالی علیه _

کرامات ایشان خیلی بالاتر از این حرف هاست. ایشان کرامات معنوی و علمی نیز دارند، که اهمیت این ها بیش تر است.^(۲)

ص: ۱۷

۱-۱ . همگام با زائران عارف / ۱۲۷.

۲-۲ . همان / ۸۳.

فصل اول

جایگاه زیارت ایشان

از چگونگی بیان معصوم علیهاالسلام درباره ی زیارت حضرتش علیهاالسلام روشن می گردد که اصل زیارت ایشان، بدون در نظر گرفتن زیارتنامه، مورد عنایت ویژه ی آنان بوده؛ زیرا علاوه بر توجه دادن به زیارت ایشان دست به تشویق زده اند، و یکی از بزرگ ترین پاداش های الهی، یعنی بهشت را وعده داده اند، تا علاقه مندان را به زیارتش ترغیب کنند.

نگاهی به روایات، پشتوانه ی این گفتار است.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«مَنْ زَارَهَا، فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ هر کس او را زیارت کند؛ شایسته ی بهشت می گردد».^(۱)

به همین مضمون روایت دیگری نیز وارد شده است:

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا، فَلَهُ الْجَنَّةُ».^(۲)

ص: ۱۸

۱-۱. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶. و وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶.

۲-۲. المستدرک، ج ۱۰، ص ۳۶۸ و بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶ و ج ۹۹، ص ۲۶۵.

امام جواد علیه السلام نیز می فرماید:

«مَنْ زَارَعَمَّتِي بِقُومِ فَلَهُ الْجَنَّةُ». (۱)

و پیش تر از این دو بزرگوار، امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ زَارَهَا، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ». (۲)

و باز فرمود:

«إِنَّ زِيَارَتَهَا، تَعَادِلُ الْجَنَّةَ». (۳)

ص: ۱۹

۱-۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶ و بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶.

۲-۲. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷ و ج ۹۹، ص ۲۶۷.

۳-۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۸ و بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۱۹؛ با واژه ی «روی».

فصل دوم

جایگاه حضرت معصومه علیهاالسلام در زیارتنامه

همان گونه که از روایت های یاد شده برمی آید، زائر حضرت معصومه علیهاالسلام بهشت را شایسته می گردد، به شرط این که: حق او را بشناسد، به فراخور توان خویش در این راه بکوشد، و بداند که فراخوان معصوم علیهاالسلام به زیارت کسی، خود نشان دهنده ی بزرگی اوست.

با دقت در مطالب پیش گفته و با توجه به روایات مربوط می توان تا حدودی به وادی شناخت حضرتش راه یافت، اما ژرف نگری به متن زیارتنامه تأثیر فراوانی در افزونی معرفت دارد.

با بیان نکاتی چند، چرایی گفتار روشن می گردد:

متن زیارتنامه از معصوم علیه السلام صادر شده است، و روشن ترین نتیجه ی آن، این است که: اگر خود نیز به زیارت حضرت علیه السلام می آمدند، همین زیارت را می خواندند.

۲. صدور متن زیارتنامه از معصوم علیه السلام در واقع بیانگر حقایقی است که نمی توان آن را، نوعی تعارف، اغراق و نظرداشت نسبت فامیلی دانست،

بلکه فضایل موجود در شخصیت حضرت معصومه ایشان را بر آن داشته تا به بیان این حقیقت ها بپردازند.

پس سزاوار است زائر، پیش از زیارت، در فضای مفاهیم زیارتنامه قرار گیرد و بداند آنچه فرارو دارد، معرفی نامه ای است در قالب زیارتنامه.

ص: ۲۱

فصل سوم

نگاهی کوتاه به زیارتنامه

۱. توجه دادن به این نکته که: سلام دادن به حضرت معصومه علیه السلام، در عرض سلام دادن به پیامبران و معصومان علیهم السلام است.

۲. رعایت مقام معصومان علیه السلام در چگونگی سلام دادن، برای تشخیص جایگاه ویژه و والای رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیهاالسلام و امامان معصوم علیهم السلام. یعنی: طرز سلام دادن به پیشوایان دین با طرز سلام دادن به پیامبران پیشین تفاوت دارد، بدین سان که به چهارده معصوم علیهاالسلام با «کاف» خطاب، سلام می کنند، برای نشان دادن حضور آنان در کنار مرقد مطهر. و نیز، شناساندن دیدگاه شیعه به انبیای الهی، که گرچه نگاه به انسان های والای الهی است، هیچ گاه در حد و اندازه ی مقام چهارده معصوم نیست.

۳. توجه به این نکته که: چرا در زیارتنامه، حضرت معصومه علیهاالسلام را دختر، خواهر و عمه ی معصوم علیه السلام معرفی می کند؟

زیرا ایشان کسی است که تربیت معصوم علیهاالسلام را پذیرفته و معصومه ی

حقیقی است؛ نه این که تنها درصدد بیان نَسَب شریف حضرت برآمده است.

۴. وجود دعاهای پیاپی، مهم و سرنوشت ساز در انتهای زیارتنامه و توجه به این نکته که : در محضر این بزرگوار، نباید فقط به ذکر حوایج مادی و زودگذر دنیوی بسنده کرد، بلکه توانایی خدادادی حضرتش در دستگیری از بیچارگان و درماندگان بسیار فراتر از امور مادی و عادی است. (۱)

۵. تفکر درباره ی شأن حضرت معصومه، و این که حضرت، با برخورداری از مراتب مقام ولایت، توانایی شفاعت را نیز دارد؛ که عصمت معصومیه، از این بخش، قابل درک است (۲).

۶. نباید زیارت آن حضرت علیه السلام را دست کم گرفت: زائر باید عاجزانه از درگاه خداوند بخواهد تا زیارتش را بپذیرد، که پذیرش آن سبب عاقبت به خیری اش می گردد.

هر کدام از موارد یاد شده ، توضیحاتی بیش تر دارند، که در ادامه خواهد آمد.

ص: ۲۳

۱-۱. نک: فصل سوم.

۲-۲. «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه، فان لک عندالله شأناً من الشأن»؛ از متن زیارتنامه.

فصل چهارم

منابع زیارتنامه

امام رضا علیه السلام به سعداشعری قمی فرمود: فَإِذَا أَتَيْتَ الْقَبْرَ...:

چون بر مزار حضرت معصومه حضور یافتی، بالای سر مبارکش روبه قبله بایست و ۳۴ بار «الله اکبر» و ۳۳ بار «سبحان الله» و ۳۳ بار «الحمد لله» بگو. آن گاه بخوان:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ...

در این جا به نکاتی چند، اشاره می شود:

۱. بسیار غریب و شگفت است که معصومی علیه السلام برای امامزاده زیارتنامه صادر کرده باشد.

۲. منبع این زیارتنامه عبارت است از:

الف. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵، باب ۱، زیاره فاطمه بنت موسی علیه السلام بقم.

ب. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۵، باب استجاب زیاره فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام.

ص: ۲۴

برای آن حضرت، دو زیارتنامه ی دیگر نیز ذکر شده (۱)؛ اما چون هدف، شرح این زیارتنامه است، از توضیح درباره ی آن ها، صرف نظر می کنیم.

ص: ۲۵

۱-۱. نکته: مجموعه ی مقالات محمد صغری نژاد، ج ۴، ص ۲۹.

زائر باید بداند به زیارت کسی می رود که امام معصوم علیهاالسلام به زیارتش عنایتی ویژه داشته و نباید بپندارد که چون او یک امامزاده است نه امام، هرگونه که بخواهد، وی را زیارت کند، مثل زیارت اهل قبور(۱).

و نیز، نباید منتی به میان آید.

پس سزاوار است زائر، به آداب زیر توجه کند:

۱. داشتن آرامش و وقار؛ ۲. طاهر بودن و هنگام داشتن عذر موجه، در دل عذرخواه باشد؛ ۳. خلوص نیت؛ ۴. پرهیز از گناهان؛
۵. اجازه ی ورود خواستن؛ ۶. با یاد حق تعالی وارد شدن؛ ۷. زائر باید بداند به زیارت کسی می رود در پرتو الطاف خداوندی از نیّات، گفتار و رفتار وی، آگاه است: بنابراین: نباید با کاری خلاف رضای الاهی، مایه ی رنجش خاطر آن بانوی بزرگوار گردد. (۲)

ص: ۲۶

۱-۱. مانند عذر بانوان، در مدّت حیض.

۲-۲. از جمله: نگاه به نامحرم، بدحجابی، بلند سخن گفتن، بی احترامی به خادمان و مردم و

تسبیحات حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام

در روایتی از امام رضا علیه السلام ، در چگونگی زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام چنین آمده است:
«زیارتنامه را، با تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام آغاز کن».

در این باره به نکاتی اشاره می کنیم:

حضرت زهرا علیهاالسلام از خستگی کار منزل، به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکوا بُرده، فرمود: برای انجام کارهای خانه، نیاز به کنیزی دارد، که مددکار ایشان باشد. پیامبر اکرم، تسبیحاتی به دخترش آموخت، که به تسبیحات زهرا علیهاالسلام معروف شد، تا بانوی دو عالم، خستگی خود را با یاد خدا برطرف سازد. (۱)

زائر هنگام ورود دچار خستگی است؛ خستگی جسم، که یکی از عوامل آن می تواند پیمودن راه سفر باشد؛ یا خستگی روح، که بر اثر گناه، یا مشکلات فراوان زندگی و... پدید می آید؛ یا هردوی آن ها.

ص: ۲۷

پس لازم است خستگی ها را برطرف سازد و با نشاط، به زیارت بپردازد. یکی از راه های رفع خستگی ها، گفتن تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام است. و نیز می تواند با آن، بر نشاط خویش بیفزاید.

خدا در قرآن کریم، بندگان خود را به ذکر فراوان فرا می خواند(۱). و در روایاتی فراوان آمده است: «اگر کسی تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام را بگوید، از کسانی است که ذکر فراوان گفته است(۲)». چه نیکوست زائر، قبل از زیارت، ذکر خدا بگوید؛ زیرا خاستگاه عظمت زیارت شونده (حضرت معصومه) خداوند است.

این نکته نیز نوشتنی است که:

در زیارت ائمه ی معصومین علیه السلام به گفتن: «الله اکبر»، «لااله الاالله»، «الحمد لله»، «سبحان الله» و ... تأکید گردیده، ولی در زیارتنامه ی حضرت معصومه علیهاالسلام به ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام دستور داده شده، تا بفهمانند: معصومین علیهاالسلام با داشتن درجات والا هرگز خدا نیستند! و هر چه دارند از خداوند متعال است؛ مبادا کسی با غلو، مورد نفرت آن بزرگواران واقع گردد. پس: توسل به آنان نیز طریقه ای برای رسیدن به خداوند است، نه این که خودشان مقصد نهایی باشند.

اما مقام اولیای الهی، مانند حضرت معصومه علیهاالسلام را باید با معصومان سنجید. و باید دانست آنان با وجود داشتن منزلت های والا، هرگز هم‌رتبه ی امام نیستند. و هر چه دارند به برکت امامان است که خداوند به

ص: ۲۸

۱-۱. أحزاب / ۴۱.

۲-۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۱ و بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۳۳۵.

آنان عطا فرموده است. و یکی از راه های دسترس به امامان، توسل به اولیای گران قدر الاهی است.

بنابر این ، هنگام زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام ، ذکر مطلق وارد نشده، بلکه فرمان به گفتن تسبیحی داده اند که به نامِ نامی یکی از معصومان یعنی حضرت زهرا علیهاالسلام زینت یافته است.

ص: ۲۹

«الْسَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ ، ... تا ... الْسَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ».

۱. چرا سلام بر انبیا علیه السلام؟

زیرا ایمان اسلامی زمانی کامل می گردد که آدمی به هر آن که قرآن فرموده مؤمن باشد؛ و در قرآن کریم، ایمان به پیامبران پیشین، از شرایط ایمان است. (۱)

۲. چرا نام برخی انبیا؟

در زیارتنامه فقط نام پیامبران اولوالعزم (۲) ذکر شده؛ تا جایگاه خاص آنان، با برجستگی نشان داده شود.

ص: ۳۰

۱-۱. بقره / ۲۸۵.

۲-۲. استاد مطهری می نویسد: «ما دقیقا نمی دانیم پیغمبران اولوالعزم چند نفر بوده اند، خصوصا با توجه به این که قرآن تصریح می کند فقط داستان بعضی پیامبران را بازگو کرده... ولی می دانیم که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و خاتم الانبیا علیهم السلام پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت بودند و به هر یک از آنان دستورها و قوانینی وحی شده، که به مردم ابلاغ و آن ها را بر اساس آن قوانین تربیت کنند» نک: مجموعه ی آثار، ج ۲، ص ۱۹۸ و فرهنگ استاد، مهدی خلیلیان، ص ۹۳؛ با تلخیص و تصرف.

زیرا منزلت چهارده معصوم، بالاتر از مقام حضرت معصومه است، و در سایه ی برکت آفرین آن هاست که کسانی مانند حضرت معصومه علیهاالسلام پرورش می یابند. علاوه این که، معرفی آنان در معرفی فاطمه ی معصومه علیهاالسلام نقش فراوانی دارد؛ چرا که پس از یادآوری رابطه ی نسبی حضرتش با معصومان علیه السلام به ارتباط تربیتی میان آنان می پردازد.

پیش از این نیز گفتیم برای نشان دادن برتری چهارده معصوم علیه السلام بر انبیای گذشته، طرز سلام دادن، تغییر یافته، به جای عبارت «السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ» جمله ی «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» وارد شده است.

تعبیر «السَّلَامُ عَلَیْكَ» برای معصومان، اشراف آن بزرگواران بر زائران و حضورشان را، در این مکان مقدس می رساند؛ زیرا محبوبیت حضرت، نزد معصومان، بسیار زیاد است.

اما سلام بر حضرت مهدی علیه السلام به گونه ای دیگر آمده، تا اشاره ای باشد بر غایب بودن آن حضرت: السَّلَامُ عَلَی الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ.

جالب آن که حضرتش علیه السلام علاوه بر «ولی»، «وصی»، و «حجت»، با اوصافی در خور تأمل ستوده شده، و آن، تعبیر به «نور» و «سراج» است؛ که در حقیقت می تواند تعبیری دیگر از روایت معروفی باشد که فرموده اند:

«سودمندی از مهدی علیه السلام در زمان غیبت، مانند بهره گیری از خورشید

در پشت ابرها است (۱)».

سودمندی خورشید در پس ابر، نور و گرمایی است که به همگان می‌رساند؛ هرچند پرتوافکنی اش دیده نشود. و حضرت مهدی علیه السلام به گاه غیبت، نور است، جهان را روشن می‌سازد. و سراج (چراغ) است، گرما می‌بخشد تا نیروی نهفته در بندگان را برای بندگی شکوفا سازد، و آنان سرزنده و پُرنشاط به پرستش معبود خویش پردازند (۲).

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ .

هر وصف از اوصافی که برای انبیا در زیارتنامه آمده، ویژگی خاص آن پیامبر نیست، بلکه اشاره ای است به برجسته ترین ویژگی های آنان؛ برای مثال: همان گونه که آدم علیه السلام «صفی الله» است، ابراهیم علیه السلام و سایر پیامبران علیه السلام نیز صفی الله هستند. فقط وصف «خیر خلق الله» ویژه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است و هرگز کسی به آن، وصف نمی‌گردد.

همین سخن، درباره ی معصومان علیه السلام نیز صادق است؛ مثلاً: درباره ی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام صفت های «طاهر الطهر» آمده، در حالی که سایر معصومان نیز چنین اند.

اما قرآن، درباره ی آدم علیه السلام و این که او «صفوه الله» و برگزیده ی خداوند است، می‌فرماید:

ص: ۳۲

۱-۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۰.

۲-۲. به دیگر سخن: نور وجودش به عالم انسانی می‌رسد، و غیبت آن حضرت، مانع از نفع وجودی اش نیست؛ نک: اسرار و فواید وجود حضرت ولی عصر در زمان غیبت، سید اسماعیل رسول زاده ص / ۲۲ - ۴۵.

«إِنَّ اللَّهَ -اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛^(۱) همانا خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و عمران را بر جهانیان برگزید.

السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ

قرآن می فرماید:

«إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ، كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ، وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ...»^(۲)؛ ما بر تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که بر نوح و پیامبران پس از او وحی فرستادیم .

و همچنین خداوند در آیه ای دیگر، سلام خود را بر نوح ارزانی می دارد:

«سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ»^(۳).

السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ

در روایاتی فراوان، نام «ابراهیم علیه السلام» با لقب «خلیل الله» آمده است^(۴).

قرآن نیز سلام پروردگار بر ابراهیم را، اعلام می دارد:

(سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ).^(۵)

السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ

ص: ۳۳

۱-۱ . بقره / ۱۳۳.

۲-۲ . نسا / ۱۶۳.

۳-۳ . صافات / ۷۹.

۴-۴ . کافی، ج ۱، ص ۴۷۳ و ج ۴، ص ۲۰۵؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۴ و بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۷۹ و... .

۵-۵ . صافات / ۱۰۹.

قرآن کریم می فرماید: «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (۱).

خداوند با موسی علیه السلام جانانه سخن گفت.

السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ

قرآن می فرماید:

«إِذْ قَالَ اللَّهُ: يَا عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ! اذْكُرْ نِعْمَتِي... إِذْ أَيْدَتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (۲).

آن گاه که خداوند فرمود: ای عیسی! یادآور، نعمتم را که تو... را به روح القدس تأکید کردم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ .

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله ؛ رسول خدا ؛ قرآن می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» (۳)؛

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله ؛ به ترین آفریده ی الاهی ؛ در این باره روایاتی فراوان وجود دارد، که می تواند پشتوانه ی این عقیده باشد (۴)؛

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله ؛ برگزیده ی پروردگار؛ خود حضرت می فرماید: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَانِي؛ (۵)

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله ؛ محمد فرزند عبدالله؛

ص: ۳۴

۱-۱ . ۱ / نسا / ۱۶۴ .

۲-۲ . ۲ / مائده / ۱۱۰ .

۳-۳ . ۳ / فتح / ۲۹ .

۴-۴ . الفقیه، ج، ۱ ص ۲۰۶؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۰؛ الوسائل، ج ۶، ص ۳۲۵ و ۳۸۸ و ۳۲۹؛ البحار، ج ۱۰، ص ۷۴ و

۵-۵ . البحار، ج ۶، ص ۳۲۳ و ۳۷۴؛ و ج ۳۸، ص ۹۲ .

۵. پیامبر صلی الله علیه و آله ؛ خاتم پیامبران ؛ قرآن می فرماید:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ، وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ، وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ، وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (۱)؛

محمد صلی الله علیه و آله پدر هیچ یک از مردان شما نیست، او فرستاده ی خداوند، و پایان بخش پیامبران است. و خدا بر هر چیز آگاه است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ

۱. علی صلی الله علیه و آله ؛ امیر مؤمنان

مردی نزد امام علی علیه السلام آمد و گفت: خود را امیر مؤمنان می دانی؟ چه کسی تو را بر آنان امیر کرد؟ حضرتش فرمود: «اللَّهُ مَعَزَّوَجَلَّ أَمَرَنِي عَلَيْهِمْ؛ خداوند مرا بر آنان امیر قرار داد.» آن مرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت؛ پیامبر نیز گفتار علی علیه السلام را تصدیق کرد (۲).

۲. علی علیه السلام ؛ وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: «إِنَّ عَلِيًّا وَصِيَّيَّ وَخَلِيفَتِي» (۳)؛

علی علیه السلام وصی و جانشین من است.»

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

ص: ۳۵

۱-۱. احزاب / ۴۰.

۲-۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۲۷.

۳-۳. الفقيه، ج ۴، ص ۱۷۹ و ۴۲۰؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۶۸ و ۴۹۹ و... و نیز: کافی، ج ۱۰، ص ۸۸ و ۳۵۵ و ۵۲۵ و ج ۳، ص ۴۲۲ و ج ۵، ص ۲۸۴ و....

فاطمه علیها السلام؛ سرور زنان جهان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّ... فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ، إِبْنَتِي (۱)؛ فاطمه سرور زنان جهان دختر من است.»

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي نَبِيَّ الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

امام هادی علیه السلام در روایتی به این دو صفت، آشکار اشاره کرده است (۲).

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، وَقُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ

۱. امام سجاد؛ زیور پرستش گران

آن گاه که شیطان نتوانست امام سجاد را، از حال و هوای نماز باز دارد، صدایی بلند شد که: «أَنْتَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (۳)».

۲. امام سجاد؛ روشنای چشم بینندگان

این تعبیر در مستدرک با عبارت «روى عن الائمة عليه السلام» آمده است (۴).

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بِأَقْرَبِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

امام پنجم؛ شکافنده ی علوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جابر درباره ی صفات آن حضرت فرمود:

ص: ۳۶

۱-۱. الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹ و ۴۲۰؛ بحار الانوار، ج ۸ ص ۲۲ و....

۲-۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۷۸.

۳-۳. همان، ج ۴۶، ص ۵.

۴-۴. المستدرک، ج ۶، ص ۳۱۶. و نیز: بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۳۷۵، ج ۸۹، ص ۱۱۳ و....

«يَقْرَأُ الْعِلْمَ يَقْرَأُ (۱)؛ حقیقتاً علم را می شکافد».

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرُ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِئِ الْأَمِينِ

۱. امام ششم؛ امامی راستگو

این لقب، از رایج ترین القاب حضرت علیه السلام در کتاب های روایی و غیرروایی است.

۲. امام ششم؛ امامی نیکوکار

این لقب نیز به صورت متعدد برای ایشان آمده است (۲).

۳. امام ششم؛ امامی امین

این لقب علاوه بر این جا، در زیارتنامه ی جامعه ای نیز آمده است (۳).

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ

لقب های «طاهر» و «طهر»، برای امام کاظم علیه السلام در مأخذی دیگر مشاهده نشد. پس به آنچه در زیارتنامه آمده و معنای ظاهری آن بسنده می کنیم: «درود بر تو ای موسی! فرزند امام صادق؛ ای پاکی بخش؛ پاکیزه!».

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى

ص: ۳۷

۱-۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۲ و...

۲-۲. الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۲ و ۶۰۴؛ التهذیب، ج ۶، ص ۸۸ و البحار، ج ۹۲، ص ۲۳۰ و ج ۹۹، ص ۴۶.

۳-۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۹.

رضا، یعنی خشنود؛ و مرتضی، یعنی مورد خشنودی قرار گرفتن.

این دو صفت در کتاب های روایی، فراوان آمده است (۱).

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، التَّقِيُّ:

سلام بر تو ای امام نُهْم، حضرت جواد الائمه علیه السلام!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيَّ النَّاصِحَ الْأَمِينِ

لقب «تقی» برای امام جواد علیه السلام و لقب «نقی» برای امام هادی علیه السلام، مشهورتر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. اما لقب «ناصرح» و «امین» را برای امام هادی علیه السلام در جایی نیافتیم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ

درود بر تو این امام حسن عسکری علیه السلام، امام یازدهم!

السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَ سِرَاجِكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ

درود بر وصی امام عسکری علیه السلام خدایا! تو نیز بر نور و چراغی که خود روشن ساخته ای، درود فرست و بر سرپرست ولایت از طرف ولی تو، و وصی امامت از طرف وصی تو، و حجت تو بر آفریدگانت نیز.

ص: ۳۸

در این قسمت القابی همچون «ولی» و «وصی» و «حجت» آمده، که به دلیل روشن بودن، محتاج توضیح خاصی نیست.

معنای «نور» و «سراج» نیز پیش از این، نوشته آمد.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ... تا... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

آنچه در این قسمت از زیارتنامه چشمگیر است، شناساندن حضرت معصومه علیهاالسلام از نظر نَسَب شریف ایشان است. این که حضرتش، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه ی زهرا علیهاالسلام خدیجه ی کبری علیهاالسلام، امام حسن علیه السلام امام حسین علیه السلام امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، و نیز خواهر امام رضا علیه السلام، و عمّه ی سایر امامان علیه السلام است.

برای روشن شدن پیامبر این بخش، لازم است نگاهی دیگر بر سلام بر انبیا و معصومان علیهم السلام بیندازیم و پیام آن را دریابیم.

پیام سلام دادن بر انبیا و معصومان علیه السلام این است که آن بزرگواران علیه السلام در مدار تربیت الاهی قرار گرفته اند و بر این اساس، مأمور اجرای اوامر خداوندی گردیده اند.

در این حال، آن گاه که بر حضرت معصومه علیهاالسلام سلام داده می شود، در حقیقت به این معنا است که: آن بانوی بزرگوار نیز آیین تربیتی آنان را پذیرفته، با تلاش خداپسندانه، خود را در آن طریقه قرار داده است. و چه بسا لقب «معصومه» با همین نکته، گره زدن باشد؛ زیرا قطعاً لقبی تشریفاتی نیست.

آیا داشتن نَسَب شریف، فضیلت است؟

از داستان عزل شدن فرزند نوح، از فرزندی و اهل پدر(۱)، چُنین برمی آید که صِرفِ وابستگی به انسان های والا، فضیلت محسوب نمی شود؛ زیرا همه چیز به دست خداوند است، و آن گاه که او نپذیرد، تلاش کوشندگان برای اثبات، یا نفی چیزی بیهوده خواهد بود.

آری، اگر کسی علاوه بر فرزند بودن، پذیرای آیین تربیتی نیز باشد و به آن، جامه ی عمل ببوشاند، فرزند بودن هم فضیلت می شود؛ زیرا علاوه بر داشتن تربیت صحیح، زینت و مایه ی افتخار و سُرور، برای اجداد طاهرینش است؛ که بی تردید همه ی این ها مایه ی خشنودی آن بزرگوار و در نتیجه خداوند است.

چرا حضرت معصومه علیهاالسلام به نَسَب معرفی می گردد؟

همان گونه که گفتیم، صِرفِ فرزند انسان شریف بودن، فضیلت آفرین نیست؛ زیرا هم، داستان فرزند نوح علیه السلام بر آن اشاره دارد، و هم با عدالت خداوند سازگار نیست. چرا که اگر چنین معیاری، فضیلت به شمار آید و در هدایت آفرینی و تقرب به پیشگاه الهی کافی باشد، گناه دیگران که از داشتن نَسَب شریف محروم اند چیست، که بدین واسطه، بهره های یادشده، شامل حالشان نمی گردد؟

بنابراین، حضرت معصومه علیهاالسلام با پذیرش آیین تربیتی اجداد پاک خویش آن هم نه به واسطه ی فرزند معصوم بودن، بلکه از روی اختیار و

ص: ۴۰

در سایه ی عمل به آن، به مقامی رسیده که علاوه بر نَسَب، استحقاقِ دختر، خواهر و عمّه ی معصوم بودن از نظر تربیت را نیز یافته است.

چرا که بسیاری افراد، با داشتن موقعیتی همانند آن حضرت، به واسطه ی عملکردهای ناشایست، لقب هایی مانند «کذاب» و... را گرفتند!

به عبارت دیگر: حضرت معصومه علیهاالسلام بر اساس نَسَبِ دختر، خواهر، عمّه ی معصوم بود و توانست با اعمال خداپسندانه، شایستگی این عنوان ها را برای خود حفظ کند.

چرا دختر حسن و حسین علیهماالسلام؟

این زیارتنامه ، حضرت معصومه علیهاالسلام را دختر امام حسن و امام حسین علیهماالسلام معرفی می کند، در حالی که امامان بعد از امام حسین علیه السلام فرزندانِ ایشان هستند؛ و حضرت معصومه از نواده های امام حسین است!

در پاسخ باید گفت:

اولاً: فرزند تربیتی هر شخص بر فرزند مربی او نیز اطلاق می شود. و بدیهی است که حضرت معصومه علاوه بر تربیت حسینی از تربیت حَسَنی نیز برخوردار بود و همین جمله با توضیحات پیشین می تواند دلیل گفتار محسوب گردد.

ثانیا: گرچه حضرت معصومه علیهاالسلام از طرف پدر به امام حسن علیه السلام نمی رسد، نَسَبِش از سوی مادر به ایشان می رسد زیرا امام سجاد علیه السلام با دخترعموی خویش فاطمه (فرزند امام حسن) ازدواج کرد.

بنابراین، امام باقر، فرزند آن دو بزرگوار (امام سجاد و فاطمه) است. و همه ی امامان، پس از امام باقر علیه السلام از نظر نسبی، بین امام حسن و امام حسین مشترکند.

در نتیجه: حضرت معصومه علیها السلام را می توان افزون بر دختر امام حسین، دختر امام حسن نیز نامید؛ یعنی ایشان با چهار واسطه به امام حسین، و با سه واسطه به امام حسن می رسد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ ... تا... أَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ

فضای حاکم بر این قسمت از زیارتنامه، فضای ارائه ی حاجت، و تقاضای اجابت آن است. حوایجی که در این قسمت عرضه می گردد، پیام هایی متعدد دارد:

پیام اول

مقام حضرت معصومه علیها السلام بسی فراتر از آن است که در محضرشان، تنها به تقاضاهای کوچک دنیوی و مادی اکتفا گردد؛ بلکه باید علاوه بر خواسته های مادی، ایشان را چاره ساز نیازهایی بس بزرگ تر دانست.

پیام دوم

نوع حوایج معنوی مطرح شده، جملگی دارای بار معنایی فوق العاده ای هستند، که رسیدن به آن، بدون وساطت اولیای ویژه ی خداوند امکان پذیر نیست؛ و حضرت معصومه علیها السلام یکی از آنان است.

پیام سوم

معرفی حوایج بسیار مهم، که عبارت اند از:

ص: ۴۲

۱. جریان آشناسازی میان ما و آن بزرگواران در بهشت؛

۲. محشور شدن در گروه آنان؛

۳. وارد شدن بر حوض کوثر که متعلق به رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛

۴. سیراب شدن از جامی که آن نیز متعلق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، به ویژه که با دست های مبارک امیرمؤمنان صورت گیرد؛

۵. احساس شادمانی در جوار آن بزرگواران؛

۶. گرد آمدن با آنان در سایه ی سرپرستی رسول خدا صلی الله علیه و آله ؛

۷. فراموش نکردن راه رسیدن به این مقام و دریافتن این معنا که رسیدن به آن فقط با داشتن معرفت امکان پذیر است، و نباید آن را از دست داد.

عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ؛

خداوند در بهشت، ما و شما را به هم می رساند.

بی تردید، لذت های بهشتی در سایه ی نعمت های الهی فراهم می گردد، اما باید دانست که چیزی مانند همدم مورد علاقه نمی تواند این لذایذ را به اوج برساند؛ چه بسا برای برخی، داشتن همدم مناسب در بهشت، از نعمت های بهشتی جالب تر و جذاب تر باشد. آری ممکن است کسی همدم کنار خود را نشناسد، و بر اثر این نادانی از پاره ای بهره ها محروم گردد.

مخصوصا اگر انسان در بهشت، کنار معصومان علیه السلام قرار گیرد، ولی آنان را نشناسد، از فیضی بزرگ، محروم شده است.

ص: ۴۳

در این هنگام زائر از خداوند می خواهد بین او و اولیایش در بهشت آشنایی دهد، تا بداند همدم چه کسانی است.

وَ حَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ؛

محشور شدن با اولیای حق، نه تنها یک مقام، بلکه آرزوی هر مؤمن آگاه از مقام آنان است.

این مقام، به گروهی خاص وعده داده شده، همچون:

۱. دوستاران اهل بیت علیهم السلام؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مَعَاشِرَ أَصْحَابِي! مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي حُشِرَ مَعَنَا(۱)؛ ای اصحاب من! هر کس اهل بیت مرا دوست بدارد، با ما محشور می شود».

۲. مؤمنی که مرگش سه شنبه فرا رسد؛

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ مَاتَ يَوْمَ الثَّلَاثِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَنَا(۲)؛ اگر مؤمنی سه شنبه بمیرد، خداوند او را با ما محشور می گرداند».

بر اهل دقت پنهان نیست که قید «ایمان» در روایت، شایسته ی تأمل است.

۳. چشمی که بر مصیبت اهل بیت علیه السلام بگردید؛

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«يَا دَعْبَلُ مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِنَا، وَبَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَعْدَائِنَا، حَشَرَهُ اللَّهُ»

ص: ۴۴

۱-۱. البحار، ج ۳۶، ص ۱.

۲-۲. الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۱.

مَعْنَا وَ فِي زُمْرَتِنَا(۱)؛ ای دعبل! چشمی که در مصیبت ما و آنچه از طرف دشمنان به ما رسیده بگریید، خداوند او را با ما محشور می سازد».

۴. کسی که دارای ایمان حقیقی است؛

امام باقر علیه السلام ضمن برشماری حقوق مؤمن بر خداوند می فرماید:

«وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ مَعْنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بر خداوند است که او را در دنیا و آخرت با ما قرار دهد».

۵. از آن جا که وعده ی الهی بر اجابت دعای بندگانش تعلق گرفته،

زائر حضرت معصومه علیها السلام ضمن زیارت، با توجه به واسطه قرارداد آن بانو علیها السلام از خداوند می خواهد او را با اهل بیت علیه السلام قرار دهد. و از کَرَم خداوند کریم، در سرای کریمه ی اهل بیت، جز این انتظار نیست.

وَأُورِدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ؛

خدا! ما را بر حوض پیامبر، بار دهد.

حوض ، یکی از میعادگاه های اهل محشر است؛ جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله منتظر انسان های مؤمن می ماند، و این دیدار، شادمانی آن بزرگوار، و نیز مؤمنان را، در پی دارد.

نشانه ی سُرور، رسیدن به مرحله ی پس از آن است، یعنی این گونه نیست که هر کس بر حوض بار یابد، از شادی ها بهره خواهد برد؛ زیرا علی علیه السلام در روایتی که خواهد آمد ، می فرماید: حوض جایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی اهل بیت علیهم السلام می پرسد.

ص: ۴۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تشویق مؤمنان به اعمال صالح، وعده ی دیدار در کنار حوض، فراوان داده اند(۱). برخی را نیز محرومان این دیدار بر شمرده اند.(۲) گفتار در این باره مفصل است و نوشتاری مستقل را می طلبد.

پس در این جا بسنده می کنیم به آنچه اساس همه ی اعمال است، که با توجه داشتن، می توان به حوض و مراحل بعدی دست یافت؛ یعنی اگر انسان، دیگر اعمال دینی را براساس قوانین دین انجام داده ولی از ولایت اهل بیت علیهم السلام بی بهره باشد، از حضور بر حوض و مراحل بعد از آن، محروم است.

رسول خدا می فرماید:

«أَنْتُمْ سَتَرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَأَسْأَدُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ، فِي الثَّقَلَيْنِ؛ به زودی شما بر حوض، نزد من حاضر خواهید شد، و من از شما درباره ی کتاب خدا، و اهل بیتم خواهم پرسید(۳)».

«وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ، مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ خداوند با جام های جدتان، ما را به دست علی علیه السلام سیراب سازد.»

همان گونه که نوشته آمد، اصل ورود در کنار حوض، سعادت آفرین نیست، بلکه آن گاه آدمی از نتیجه ی اعمالش آرامش خاطر می یابد، که در مرحله ی بعدی یعنی از آب حوض کوثر بیاشامد.

ص: ۴۶

۱-۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۹ و ۴۲۹ و ج ۴، ص ۲۸ ص و الفقیه، ج ۱ ص ۱۳۷.

۲-۲. همان، ج ۳، ص ۲۶۹ و التهذیب، ج ۹، ص ۱۰۶.

۳-۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۹۳.

از روایت گذشته بر می آید که داشتن ولایت اهل بیت، قطعاً از شرایط لازم است، و بر همین اساس، سقایت آب حوض کوثر به دست مبارک علی علیه السلام سپرده شده، تا همگان دریابند که رمز این موهبت الاهی، «ولایت امیر مؤمنان» و «خشنودی» اوست.

وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ الشَّرْرَ وَالْفَرَجَ؛

و از خداوند می خواهم شادمانی و گشایش را در میان شما به ما بنمایاند. از دغدغه های هر انسان عاقبت اندیش گرفتار شدن به حزن و بلاهایی است که در آینده احتمال ابتلا به آن ها وجود دارد.

خداوند متعال در قرآن عزیز از این پیامد خبر داده است؛ اما با «فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا يَخْزَنُونَ» (۱).

و مانند آن، جریان را استشناپذیر معرفی کرده، بندگانش را امیدوار ساخته است.

از این قسمت استفاده می گردد که در سایه ی پُربرکت حضرت معصومه علیهاالسلام می توان به آینده بسی امیدوار بود و تمامت گره ها را گشود.

وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خداوند، ما و شما را در گروه، جدتان حضرت محمد صلی الله علیه و آله گرد آورد.

ص: ۴۷

در این بخش به توضیحی که در ذیل «عَرَفَ اللَّهُ...» و «حَسْرْنَا...» داده ایم، بسنده می کنیم.

وَ أَنْ لَا يَسْئَلُنَا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ:

خداوند بهره ی شناخت ما از شما را نگیرد، که او سرپرستی بس تواناست.

از هدف های بسیار مهم این زیارتنامه، معرفی حضرت معصومه علیهاالسلام است؛ و چون این شناخت، از شرایط پذیرش زیارت محسوب می شود زائر باید اولاً: آن بزرگوار را بشناسد. و ثانیاً: بکوشد تا معرفت خویش را، پاس داشته، هرگز از دست ندهد.

بنابر همین اساس، حتّا در این قسمت (وسط زیارتنامه) نیز گوشزد می کند که روح معرفت باید همچنان حاکم باشد.

و با جمله ی «إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ» می فهماند که معرفت یافتن، و به ویژه حفظ آن، بسیار دشوار است که باید از خداوند توانا مدد جست. و گرنه کاری مُحال و حَداقل، طاقت فرسا خواهد بود.

«اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ... تا... نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ، يَا سَيِّدِي!».

مواردی که از این قسمت زیارتنامه استفاده می شود، عبارت اند از:

۱. راه تقرب به خداوند؛ مَحَبَّتْ به اهل بیت علیهم السلام و حضرت معصومه علیهاالسلام است.

۲. تنها مَحَبَّتْ داشتن به آنان کافی نیست، بلکه باید با دشمنان شان

دشمن بود. و به دیگر سخن: دوستی با اهل بیت علیه السلام آن گاه کامل است، که دشمنی با دشمنان شان را نیز همراه داشته باشد.

۳. هنگامی که خداوند به شخصی مقام و درجه ای می بخشد، بر دیگران لازم است در برابر خواستِ حق، تسلیم و خشنود بوده، منکر نشده، سرکشی نیز نکنند.

۴. هر کس به درجه ای از باور، دست یافت، باید در افزودن و رساندن آن مرحله ی به یقین و باور کامل، سخت بکوشد.

اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبِرَائِهِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ؛

من به وسیله ی دوستی با شما و دشمنی با دشمنان تان، به خداوند نزدیکی می جویم.

مهر ورزیدن به دوستان خدا و قهر کردن با دشمنان آنان، از ضرورترین نشانه های ایمان حقیقی است؛ به گونه ای که با نبود آن دو، ایمان مُحَقَّق نمی گردد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «ثَلَاثٌ مِنْ عِلْمَاتِ الْمُؤْمِنِ؛ عِلْمُهُ بِاللَّهِ، وَمَنْ يُحِبُّ، وَمَنْ يُبْغِضُ (۱)»؛

از نشانه های مؤمن، سه چیز است: ۱. خدا را شناختن؛ ۲. چه کسی را دوست دارد؛ ۳. با چه کسی دشمن است».

بدون دوست داشتن دوستان خدا، تقرب جویی به خداوند، امکان پذیر نیست.

ص: ۴۹

این مَحَبَّت، آن گاه تکمیل می گردد که با دشمنی دشمنان خداوند نیز همراه شود. هر اندازه مَحَبَّت به خداوند و محبوبان او، نوسان یابد، نشان دهنده ی میزان تزلزل ایمان شخص است. این بخش از زیارتنامه، آشکارا بیانگر گفتار پیشین است.

علاوه بر این، معیار و محدوده ی مَحَبَّت به افراد را نیز مشخص می کند. نباید پنداشت تنها، مَحَبَّت به خداوند و معصومان علیه السلام، و دشمنی با دشمنان آنان در تقرب به پروردگار کافی است، بلکه دامنه ی آن را باید به دوستی محبتان اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان آنان نیز بسط داد؛ چون در زیارتنامه واژه ی «بِحُبُّكُمْ» آمده، که در این صورت نمی توان ادعا کرد حضرت معصومه علیهاالسلام جزو اهل بیت، به مفهوم چهارده معصوم علیه السلام است، بلکه ایشان کسی است که در مَحَبَّت به آنان در حدی بسیار والا و غیر قابل تصور قرار دارد.

بنابراین، حضرت معصومه علیهاالسلام از اولیای بزرگ الهی است، و مَحَبَّت به او و دوری از دشمنانش، تقرب خداوند محسوب می شود.

وَالْتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ، رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ، وَلَا مُسْتَكْبِرٍ؛

و تسلیم خداوندم، و به این شیوه خرسند؛ بی آن که ناباوری پیشه کنم و بزرگی بفروشم.

کم نیستند انسان هایی ک حقیقت را نمی پذیرند، حتّا آن گاه که بر آنان آشکار می گردد.

و به عبارت روشن تر: افرادی فراوان زمانی که حقیقت را درک کرده،

متوجه می شوند که تشخیص نزد خدا، جایگاهی ویژه دارد، با مشکلاتی درونی مواجه می گردند؛ که به مواردی اشاره می کنیم:

۱. پذیرفتن و تسلیم شدن، و انکار حقیقی، که فرارو دارند.

۲. ناخشنودی و تحمل نکردن این حقیقت، به واسطه ی حسادت درونی شان، تا جایی که از خود تکبر نشان داده، برای نابودی حقیقت اقدام می کنند.

بر اهل تحقیق پنهان نیست که صاحبان این دو رذیله ی اخلاقی، ضربه هایی بر پیکره ی دین زدند، که تا روز رستاخیز جبران پذیر نخواهد بود.

قرآن کریم از گروه هایی با ناخرسندی یاد کرده، که از آن جمله اند:

گروه اول: کسانی که در عین شناخت کامل حق، آن را انکار کردند(۱).

گروه دوم: شیطان، که به فضایل حضرت آدم علیه السلام رشک برده، احساس خود را در برابر فرمان الاهی مبنی بر ادای احترام در مقابل آدم بروز داد، و برای انحراف او دست به کار شد(۲).

در این قسمت از زیارتنامه، پیام هایی در خور توجه به چشم می خورد: زائر حضرت معصومه علیه السلام باید خویش را از خصایص پست، پاک سازد؛ روحیه ی تسلیم را در خود تقویت کند؛ از مواهب الاهی به اولیای خویش خرسند گردد؛ با تنگ نظری یا خودبرتربینی دچار انکار فضایل آنان نگردد؛ برای خاموش کردن نور آنان اقدام نکند؛ با شنیدن یا دیدن

ص: ۵۱

۱-۱. نمل / ۱۴.

۲-۲. بقره / ۳۴.

کرامات از جانب آن حضرت، با دیده ی انکار به ایشان ننگرد؛ و... بلکه زائر باید بداند که روشن ترین پیام دیگر زُوار؛ به ویژه عالمان بزرگ و فقیهان گران قدر این است که: دری از درهای رحمت خداوند به دست حضرت معصومه علیها السلام گشوده می گردد.

وَعَلَىٰ يَقِينٍ مَا آتَىٰ بِهِ مُحَمَّدٌ، وَبِهِ رَاضٍ؛

من به آورده های حضرت محمد صلی الله علیه و آله یقین دارم و به آن خرسندم.

از اساسی ترین شرایط ایمان، اعتقاد و یقین داشتن به اصول دین است. هر گونه تردید در این باب ممنوع است؛ به طور کلی اندیشه و عمل انسان به یقین وابستگی دارد.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«إِنَّ الْعَمَلِ اللَّطِيفِ الْقَلِيلِ، عَلَى الْيَقِينِ، أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ، عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ (۱)؛ کارِ اندکِ استوار بر اساس یقین، نزد خداوند از کارِ فراوان بر پایه ی ناباوری، برتر است.»

یکی از اصول دین اسلام، نبوت است که از عقاید وابسته به آن، باور داشتن به آورده های رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طرف خداوند، و راضی بودن به آن است.

زائر حضرت معصومه علیها السلام اعتراف می کند به همه ی ارمغان های رسول خدا صلی الله علیه و آله باورمند و از همه ی آن ها خرسند است.

ص: ۵۲

نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ، يَا سَيِّدِي! اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَارَ الْآخِرَةَ؛

به این وسیله دیدار تو را می جویم ای سرور من! و نیز خشنودی ات را، و سرای دیگر را.

صفای باطنی که در حریم حرم حضرت معصومه علیها السلام بهره ی زائر گردیده، جاری شدن عقیده بر زبانش، شخصیت جدید او را نمایان می کند. این که انسانی خداجوست و کارهایش با انگیزه ی دیدار و لقای حق انجام می گیرد.

«يَا فَاطِمَةُ! اشْفَعِي ... تا ... مِنَ الشَّانِ»

همان گونه که بارها نوشته آمد، از اهداف مهم زیارتنامه، شناساندن مقام والای حضرت معصومه علیها السلام است؛ که این قسمت به معرفی مقام های شفاعت، و نیز شأنیت ایشان می پردازد.

«يَا فَاطِمَةُ! اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ؛ اِي فَاطِمَةُ يَ مَعْصُومَةُ! مَرَا دَر بَهْشْتِ شَفَاعَتِ فَرَمَا».

یکی از راه های گریز گناهکاران و کسانی که از بررسی اعمال خویش هراسانند، تمنا کردن از اشخاصی است که خداوند آنان را می پذیرد. حضرت معصومه علیها السلام بی تردید از والاترین آبرومندان درگاه الاهی، و درخواستش نزد خداوند، پذیرفته است.

از این قسمت زیارتنامه می توان چنین استفاده کرد که محدوده ی شفاعت حضرتش شامل همه ی افراد می شود. زیرا به هر زائری اعم از عَرَب و عَجَم، زن و مرد، مسلمان و غیرمسلمان، عارف و... این حق داده

شده که بگوید: «یا فاطمه! اشفعی لی فی الجنّه».

امتیاز و حق برای این زائر آن گاه مفهوم دارد که شفاعت کننده، بُرد کافی داشته باشد، و گرنه یا اجازه بیهوده خواهد بود، یا استهزای زائر است! و حاشا که امام رضا علیه السلام در حقّ خواهر و زائر ایشان زبان به گفتاری چُنین بگشاید. همچنین این قسمت زیارتنامه، از مقام عصمت حضرت نیز حکایت می کند و هرگونه ابهام و تردیدی را از لقب «معصومه» می زداید؛ زیرا زائر می خواهد درباره ی بهشت، او را شفاعت کند، که لازمه ی آن، این است که: اولاً: خودشان بهشتی هستند و بهشت جای گنهکار نیست. و ثانیاً: گنهکار نیست؛ زیرا گنهکار نباید شفاعت کند؛ چون خود نیازمند شفاعت است، پیش از آن که شفیع باشد.

فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّأْنِ؛

همانا تو نزد خداوند، مقامی والا داری.

به نظر می رسد به ترین راه برای درک معنای شأن، بهره گیری از واژه های معادل آن باشد؛ بنابراین به سراغ کتاب فرهنگ واژه های معادل اثر زنده یاد حجت الاسلام محمد دشتی رحمه الله می رویم.

از جمله واژگان معادل «شأن» عبارت اند از:

عفیف، شریف، وجیه، حرمت، ثمن، خطر، قیمت، جلال، اعتبار، غریزه، قدر، مقام، منزلت، درجه، ملک، موضوع، محل، و... (۱) از میان این

ص: ۵۴

کلمات آنچه با معنای واژه ی «شأن» در زیارتنامه، مناسب تر به نظر می رسد مقام، اعتبار، قدر و منزلت است.

بنابراین، مفهوم ظاهری «شأن» یکی از این چهار معنا، یا واژگانی همانند است، که این مفهوم را دارند.

مقام شأن، چه مقامی است؟

عده ای در درک مقام «شأن»، اظهار ناتوانی کرده آن را از حیطة ی ادراک بشر عادی خارج دانسته اند.^(۱)

این بیان، گرچه در جای خود دُرُست است؛ چیزی به دست نمی دهد. البته می توان با کمک «الشأن» گام هایی برداشت.

یکی از صفات خداوند «ذی الشأن» است. و تعبیر «سبحان الله ذی الشأن» در روایات، فراوان وارد شده است.^(۲)

از طرفی درباره ی اهل بیت علیهم السلام نیز، عبارت «وَلَكُمْ... الشَّأْنُ الْكَبِيرَ...» رسیده است.^(۳)

بنابراین، شأنیت، مقامی است که خداوند آن را به معصومان علیهم السلام عطا کرده؛ و از برترین عنایات خداوند به اهل بیت علیهم السلام، بخشیدن مقام ولایت به آنان است. پس می توان چنین نتیجه گرفت که: مراد از «الشأن» همان ولایت است.

آری، «شأننا» قسمتی از مقام ولایت، و شأن از شؤون آن است، که درک

ص: ۵۵

۱-۱. مجموعه ی رسائل، سید علی حسینی، ص ۱۰.

۲-۲. المستدرک، ج

۳-۳. الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.

کمیت و کیفیت آن برای بشر عادی امکان پذیر نیست.

واژه ی شأن» را، می توان از دو نظر بررسی کرد:

۱. خود کلمه، که نکره آمده و نشان دهنده ی عظمت مقام است.

۲. در کنار کلمه ی «الشان» که می رساند منزلت فاطمه ی معصومه با تمام ارجمندی اش با مقام معصومان که ولایت مطلق دارند، قابل مقایسه نیست.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... تَا... وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ»

پیام های این قسمت از زیارتنامه عبارتند از:

۱. درخواست عاقبت به خیر شدن؛

۲. از دست ندادن دستاوردها؛

۳. امداد از نیروی الاهی در حفظ دستاوردها؛

۴. درخواست از خداوند برای پذیرش دعا و قبولی زیارت؛

۵. تحقق همه ی اهداف، در سایه ی صلوات بر محمد و آل او صلی الله علیه و آله ، در سایه ی مهر خدایی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

خدایا! از تو می خواهم پایان کارم را سعادت آفرین سازی و حالتی را که به آن دست یافته ام از من نگیری؛ که هیچ نیرو و توانی نیست مگر برای خداوند بلند مرتبه ی بزرگ.

ص: ۵۶

دغدغه‌ی همه‌ی انسان‌های الهی، عاقبت به خیر شدن است، که در قالب درخواست، فراوان بر زبان معصومان علیهم السلام جاری شده است.

نگاهی به برخی از این گونه درخواست‌ها، خالی از فایده نیست.

۱. در زیارت عاشورا: «مَمَاتِ مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

۲. در دعای ابو حمزه ی شمالی: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اِيْمَانًا، لِأَجَلٍ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ».

۳. در دعای ماه مبارک رمضان: «وَأَجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي إِلَىٰ عُفْرَانِكَ، وَ رَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴. حضرت علی علیه السلام در پایان عهدنامه ی مالک اشتر رحمه الله آورده اند:

«وَأَنْ يَخْتِمَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ (۱)».

۵. و همه‌ی کسانی که تقاضای شهادت در راه خدا را کرده اند.

جا دارد در این جا، به کلام خدای بخشنده ی مهربان گوش دل سپرده به آن عمل کنیم؛ آن جا که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (۲)؛ ای مؤمنان! حَقِّ تقوای الهی را به جا آورید، و نمیرید، مگر در حالی که مسلمان هستید.

با توجه به اهمیت عاقبت به خیری، جا دارد زائر حضرت معصومه علیها السلام نگران آینده ی خویش بوده، التماس کند که: خدواند! پایان امورم رابه سعادت ختم فرما!

ص: ۵۷

۱-۱. نهج البلاغه، نامه ی ۴۵.

۲-۲. آل عمران / ۱۴.

موقعیتی که در آن واقع شده ام، از من نگیر.

فضایی که زائر حضرت معصومه علیها السلام در آن قرار گرفته، فضایی سرشار از معرفت، خضوع، خشوع، ایمان، تقوا و بسیاری از خصلت های نیکوی دیگری است، که مُنجیِ انسانِ خواهانِ نجات است.

زائر، پس از زیارت، معرفتی ویژه حاصل کرده است. لحظاتی از گناه و زشتی دور گشته، خود را به دریای ولایت پیوند داده است. لذت تقوا و پرهیزگاری را چشیده و در فرجام مشمول عنایت حضرت معصومه علیها السلام و معصومان علیهم السلام و خداوند تعالی شده است. جا دارد که او قدردان این لحظه ها باشد و بداند خارج شدن از حرم به منزله ی رفتن از محضر آنان نیست؛ بلکه همواره و همه جا باید خود را در پیشگاه آنان ببیند و این تأثیرات ملکوتی را پیوسته، از هنوز تا همیشه، برای خود حفظ کند.

زائر باید بداند که شیطان تا پیش از این، سخت می کوشید مانع زیارت گردد، و پس از آن، به واسطه ی کینه ای که از او به دلیل پیروی نکردن از آن، در دل گرفته، تلاش خویش را چندین برابر کرده، تا تمام دستاورد زائر را با انواع دسیسه از دستش درآورده، تباہ سازد؛ و وی را به حال و هوای قبل از زیارت باز گرداند. بنابراین، زائر نباید هرگز خود را از شرّ شیاطین، ایمن و آسوده بداند. جا دارد زائر به تمام خطرهای توجه کرده، از ژرفای جان و دل از خداوند تمنا کند این احوال خوش و جدید را از او نستاند.

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

نیرو و توانی نیست ، مگر برای خداوند بلند مرتبه بزرگ.

حفظ ایمان و دستاوردهای آن، در قالب زیارت اولیای خداوند را، هرگز نباید کاری ساده انگاشت.

دستیابی به این مهم، ممکن نیست مگر آن که آدمی از توان الهی، بهره مند گردد. این است که زائر از خداوند استمداد می کند، و از نیروی لایزال او یاری می جوید، تا این دستاورد را به سر منزل مقصود برساند.

درباره ی «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» فراون در روایات آمده که ارتباط آن با مطالب ذکر شده، محسوس است.

در این باره از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده: «إِنَّ آدَمَ شَكَى إِلَى اللَّهِ مَا يَلْقَى مِنَ حَدِيثِ النَّفْسِ وَالْحُزْنِ، فَنَظَرَ عَلَيْهِ جِبْرِئِيلُ، فَقَالَ لَهُ: يَا آدَمُ! قُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَقَالَهَا، فَذَهَبَ عَنْهُ الْوَسْوَسَةُ وَالْحُزْنُ(۱)؛

حضرت آدم علیه السلام به خداوند از خود سخن گویی و ناراحتی گله گزاری کرد، جبرئیل علیه السلام بر او فرود آمد و گفت: ای آدم! بگو: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. آدم آن را گفت و وسوسه و ناراحتی او برطرف شد.

بی تردید شیطان در کمین نشسته و زائر را وسوسه می کند. تا جایی که زیارت کننده با خود می اندیشد: تمام سختی راه را به جان خریدم و به زیارت آمدم. برای چه؟ چه فایده؟ و به دنبال آن، دچار ناراحتی گشته، نشانه های ناخشنودی را در خود می بیند؛ که در حقیقت ناخرسندی از

ص: ۵۹

خداوند و اولیای اوست. یکی از راه های مقابله با این وسوسه ها، گفتنِ ذکر: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» است.

اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، وَتَقَبَّلْهُ بِكِرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ؛

خدایا! ما را اجابت فرما و نیازمان را قبول کن! به بزرگواری و عزت، و به مهربانی و بنده نوازی ات.

اعمال انسان آن گاه ارزش دارد و برای او جایگاهی سامان می دهد، که خداوند آن را بپذیرد.

زیارت، گرچه برای مجاوران اولیای خداوند از نظر طیّ مسافت آسان است، برای کسانی که از راه دور، سختی راه را به جان می خرنند، با مشکلاتی فراوان همراه است. وبی تردید در زمان های گذشته، مشکلات سفر به دلیل کمبود امکانات رفاهی، افزون تر نیز بود.

جای بسی افسوس است اگر زائری، چنین رنج هایی را، تاب آورَد، و پس از زیارت، به جایگاهی دست نیابد، و تمامِ آرزوهایش را بر باد رفته یابد.

تنها راه چاره برای مبتلا- نشدن به این ماجرای رنج آور، خواهش کردن به درگاه پروردگار است. و براین که از خداوند بخواهد: جایگاه یک زائر حقیقی به تمام معنا باشد، و ثانیاً: دعاهای او را پذیرفته، به اجابت برساند. برای اجابت دعا نیز باید خدا را به صفات حُسنایش همچون: مِهر، عافیت و... شُکوهش سوگند دهد.

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا؛

درود خداوند بر محمد و همه ی خاندان او، و سلام فراوان بر آنان باد.

ذکر درود و صلوات بر محمد و خاندان پاکش که نشان دهنده ی ولایت مداری فرد و مَحَبَّت به خاندان عصمت است، از دیگر دزهایی هست که زائر به آن پناه می برد تا عاملی برای اجابت دعایش بوده و از شرّ شیطان در امان باشد.

يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

ای مهربان ترین مهربانان!

آری، از آغاز که زائر توفیق زیارت پیدا می کند، تا اتمام آن، پیوسته در سایه ی مهر الاهی است، و با ندای «یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» معرفت خود را نشان می دهد.

ص: ۶۱

چکیده

رویکردی دوباره

هدف اصلی این نوشتار، علاوه بر شرح زیارت، تبیین مقام والای دختر موسی بن جعفر علیه السلام، حضرت فاطمه ی معصومه علیها السلام است.

۱. سلام دادن به حضرت معصومه علیها السلام در عَرَضِ سلام دادن به معصومان علیه السلام (انبیا و چهارده معصوم علیها السلام)، نشان دهنده ی در یک راستا بودن مقام آنان با یکدیگر، و دریافتن منزلت ایشان در سلسله مراتب عصمت است.

۲. صرف فرزند معصوم بودن، افتخار آفرین نیست، بلکه مسؤولیت آفرین است. پیام این نکته که، معصومی حضرت معصومه علیها السلام را که به نَسَبِش می شناساند این است که ایشان تربیت معصومین را پذیرفته، و با عمل به آن، «استحقاق» دختر بودن را یافته است؛ و با منطبق کردن آیین تربیتی آنان بر خود، به درجه ی عصمت رسیده است.

۳. حضرت، به مقام شفاعتگری رسیده، می تواند از جایگاه بهشتی خویش دستگیر بندگان خداوند باشد. با توضیح این که: گناهکار نه تنها بهشتی نیست و نمی تواند شفاعت کند، بلکه خود محتاج شفاعت است.

پس می توان چنین نتیجه گرفت که : حضرت معصومه علیهاالسلام از مقام عصمت برخوردار بوده، به معنای واقعی، معصوم است (۱).

ص: ۶۳

۱-۱. بر جویندگان حقیقت پنهان نیست که مراد از عصمت در این جا، عصمت در مرحله ی عمل است. یعنی کسی که به کار حرام دچار نشده و عمل واجب را رها نکرده است؛ نه عصمت در مرحله ی گرفتن وحی، و نه عصمت در تبلیغ آن و بیان اصول و فروع دین ، که از ویژگی های چهارده معصوم و پیامبران الاهی علیهم السلام است.

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه .

۱. اصول کافی : ثقه الاسلام کلینی ، دارالکتاب الاسلامیه ، تهران ، ۱۳۶۵ .

۲. بحارالانوار : علامه مجلسی ، مؤسسه الوفاء بیروت ، لبنان ، ۱۴۰۴ ق.

۳. تاریخ قم : حسن بن محمد قمر (۳۷۸ ق) ، ترجمه ی حسن بن عیج (۸۰۵) ، تحقیق سید جلال الدین تهرانی ، توس ، تهران ، توس ، ۱۳۶۱ ش.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام : شیخ صدوق ، انتشارات جهان ، بی جا ، ۱۳۷۸ ق.

۵. فرهنگ واژه های معادل : محمد دشتی ، مؤسسه ی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام ، قم ، چاپ دوم ، ۱۳۷۶ .

۶. مجموعه ی رسایل : گروهی از نویسندگان ، نرم افزار گلشن قم .

۷. مجموعه ی مقالات : گروهی از نویسندگان ، نرم افزار گلشن قم .

۸. مروج الذهب : مسعودی (ابوالحسن علی بن الحسین) ، قم ، دارالهجره ، چاپ دوم ، قم ، ۱۴۰۹ ق.

٩. مستدرک الوسایل : محدث نوری ، مؤسسه آل البيت، قم ، ١٤٠٨ ق.

١٠. من لایحضره الفقیه : شیخ صدوق ، جامعه ی مدرّسین، قم ، ١٤١٣ ق.

١١. وسائل الشّیعه : شیخ حرّ عاملی ، مؤسسه ی آل البيت، قم ، ١٤٠٩ ق .

١٢. همگام بازائران عارف : علی اشرف عبدي ، نرم افزار گلشن قم .

ص: ٦٥

غلطگیری ویراستاری انجام شد ۱۳۸۹ / ۵ / ۳۱

ص: ۶۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

